۲

هجرت پیامبر

گروهی از نویسندگان



هجرت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله وسلم

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : هجرت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله وسلم/ گروهی از نویسندگان ؛ تهیه شده در مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما .

مشخصات نشر : قم: کتاب طه،مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، 1385 .

مشخصات ظاهری : 63 ص .

فروست : با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم؛ 2

شابک : 5000ریال:9647019661

وضعیت فهرست نویسی : در انتظار فهرستنویسی

ص: 1

اشاره

ص: 2

ص: 3

دیباچه

هجرت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله از مکه به مدینه، نقطه عطفی در تاریخ فرهنگ اسلامی است. اگر ولادت پیامبر، ولادت نور بود، هجرتش نیز تابشی از آن نور در گستره تاریخ است. اگر بعثت، طلیعه نشر توحید بود، هجرت، نوید پیروزی آن است. اگر رحلت پیامبر، پایان تلاش سترگ رسولی بزرگ بود، تاریخ هجرت، دلیلی قاطع بر پیروزی حضرت محمد صلی الله علیه و آله به شمار می رود.

پرداختن به هجرت از این نظر اهمیت دارد که امروزه کشورهای اسلامی، بیش از هر زمان دیگر به وحدت و یک پارچگی نیاز دارند و بی گمان، یکی از مظاهر وحدت، کوشش برای حفظ تاریخ اسلامی است. کشورهای اسلامی باید مبنای کار خود را در تمام مناسبت ها بر اساس تاریخ هجری تنظیم کنند و بدین گونه پایه های یک پارچگی خود را استوارتر سازند. دشمن هیچ گاه از این عامل وحدت بخش غافل نبوده و کوشیده است تا کشورهای اسلامی و عربی از تاریخ هجری چشم پوشی کنند و تاریخ میلادی را مبنای تقویم کاری خود قرار دهند. کشور ما ایران نیز از این توطئه در امان نبوده است. در آغاز سال 1356 خورشیدی، تلاش هایی صورت گرفت تا برای تقویت پایه های حکومت طاغوت، تاریخ اسلامی به تاریخ شاهنشاهی تبدیل شود و حتی برای مدت کوتاهی آن را مبنای کار رژیم ستم شاهی قرار دادند. با این حال، لطف الهی و همت والای امت اسلامی ایران به رهبری امام خمینی رحمه الله، این

توطئه را بسان دیگر توطئه ها خنثی کرد و امروز حلقه طلایی هجرت در میان سلسله رخدادهای تاریخ اسلام، چنان اهمیتی دارد که همه رویدادهای فردی و اجتماعی ملت های مسلمان با آن سنجیده می شود.

یکی از وظایف مهم رسانه ملی، پاسداری از این تاریخ افتخارآمیز است. این نوشتار که به کوشش حجت الاسلام و المسلمین آقای محراب صادق نیا و آقای محمد سهیل بهرام نسب تدوین شده، در همین راستا بوده است. باشد که مایه خشنودی خداوند متعال و حضرتش و مورد استفاده دست اندرکاران و برنامه سازان رسانه ملی قرار گیرد.

ص: 5

پیش گفتار

یکی از رخدادهای مهم زندگی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، هجرت ایشان از مکه به مدینه است. این هجرت به دلیل فشارهای روزافزون کافران قریش انجام گرفت و پیامبر شب هنگام از مکه به سوی مدینه رهسپار شد. در این هجرت، شماری از مسلمانان که بعدها «مهاجران» نام گرفتند، پیامبر را همراهی کردند. بررسی این هجرت تاریخی، از چند جهت اهمیت دارد که از آن جمله است: «مبدأ قرار گرفتن برای تاریخ اسلام»، «زمینه ساز بودن برای شکل گیری پایه های حکومت اسلامی در مدینه».

خوابیدن حضرت علی علیه السلامدر بستر پیامبر در شب هجرت، فداکاری بی مانندی است که خداوند متعال این جان فشانی را با نزول آیه 207 سوره مبارکه بقره ستود. رخدادهای مسیر هجرت، مانند ساختن نخستین مسجد در تاریخ اسلام به نام «مسجد قبا» به دستان مبارک پیامبر اعظم صلی الله علیه و آلهو نیز بنا بر قولی، برپایی نخستین نماز جمعه در اسلام و درس ها و عبرت های فراوانی که در این هجرت تاریخی هست، بررسی این هجرت را ضروری می نماید.

این پژوهش، در شش فصل فراهم آمده است. در فصل نخست، چگونگی و سیر تاریخی هجرت بیان شده است. فصل دوم، به نقش بی بدیل امام علی علیه السلام در این هجرت اختصاص دارد. در فصل سوم، مبدأ تاریخ اسلام قرار گرفتن این هجرت بررسی شده است. فصل چهارم نیز به درس ها و عبرت های خواندنی این هجرت تاریخی می پردازد.

هجرت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در آیینه قرآن، فصل پنجم این نوشتار را شکل می دهد.

فصل ششم نیز بخش همراه با برنامه سازان است که در آن، پیشنهادهای برنامه ای، پرسش های مسابقه ای، پرسش های مردمی و پرسش های کارشناسی درباره این هجرت آمده است. امید است این پژوهش، مورد استفاده برنامه سازان محترم قرار گیرد و خشنودی الهی را در پی داشته باشد.

ص: 7

فصل اول: چگونگی هجرت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

اشاره

با رونق گرفتن بیش از پیش اسلام، مشرکان مکه به هراس افتادند و بر فشارهای خود علیه مسلمانان افزودند. با وفات ابوطالب، عمو و حامی حضرت محمد صلی الله علیه و آله، این فشارها افزایش یافت. در پی این سخت گیری ها، زندگی در مکه برای مسلمانان طاقت فرسا شد و مسلمانان به ناچار، اجازه ترک مکه را از رسول خدا صلی الله علیه و آلهخواستار شدند.(1)

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله پس از بررسی های لازم، یثرب را به مسلمانان پیشنهاد کرد و به آنان فرمود: «رهسپار یثرب شوید و نزد برادران انصار خود بروید». بعضی از پژوهشگران، انتخاب یثرب را پیشنهادی از سوی خداوند می دانند که با وحی به پیامبر ابلاغ شده است.(2)

1. گزینش یثرب

عواملی را که برای انتخاب شهر یثرب به عنوان مقصد هجرت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آلهمی توان برشمرد، به قرار زیر است:

1- ابن سعد، طبقات، دارالبیروت، 1347، ج 1، ص 226.
2- هاشم معروف الحسنی، سیره المصطفی، منشورات شریف رضی، 1371، ص 245.

الف) پیامبر و اصحابش از یثرب، سابقه ذهنی داشتند؛ زیرا پیش تر افرادی از ایشان به آنجا هجرت کرده بودند. ابوسلمه از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله،(1) نخستین کسی بود که بر اثر فشار مشرکان از مکه به یثرب هجرت کرد. تاریخ نگاران، زمان این هجرت را یک سال پیش از بیعت عقبه دوم دانسته اند.(2)

ب) یکی دیگر از دلایل مهم انتخاب یثرب را می توان توافق دو قبیله اوس و خزرج پس از پیمان عقبه دانست. پیامبر با این توافق می توانست از پشتیبانی جمعیتی انبوه در آنجا بهره مند باشد.

ج) موقعیت یثرب برای مسلمانان کاملاً شناخته شده بود. این مطلب را می توان از فرمایش پیامبر هنگام صدور فرمان هجرت دریافت. ایشان فرمود: «فَاِنَّ البِلادَ قَریبَهٌ وَ اَنْتُمْ بِها عارِفُونَ؛ شهرها به هم نزدیکند و شما با آنها آشنا هستید».(3)

د) گسترش اسلام در منطقه یثرب را می توان علت اساسی این انتخاب دانست. با توجه به صدور اسلام به یثرب، مسلمانان مهاجر از حمایت برادران دینی خود برخوردار می شدند.

ابن هشام در این باره می نویسد: «پیامبر به مسلمانان دستور داد به سوی یثرب هجرت کنند و فرمود: خدا برای شما برادران و مکان های امنی در

1- ابوسلمه همسر ام سلمه است. ام سلمه پس از شهادت همسرش به همسری رسول خدا صلی الله علیه و آلهدرآمد.
2- عبدالحمید آیتی، تاریخ پیامبر اسلام، ص 202.
3- بلاذری، انساب الاشراف، قم، مجمع احیاء الثقافه الاسلامیه، 1374، ج 1، ص 257.

یثرب قرار داده است».(1)

برخی پژوهشگران، علل دیگری را نیز آورده اند که از نقل آنها می پرهیزیم.

2. آغاز مهاجرت

با صدور فرمان هجرت، مسلمانان در ذی الحجه سال سیزدهم بعثت، راه یثرب را در پیش گرفتند و رسول خدا صلی الله علیه و آله به انتظار دستورهای الهی در مکه باقی ماند. مشرکان بی درنگ پس از حرکت مسلمانان به راز هجرت پی بردند؛ زیرا دیدند که مسلمانان، کودکان و زنان خود را به یثرب می برند. ازاین رو، به دو دلیل احساس خطر کردند:

الف) با خروج رسول خدا صلی الله علیه و آله به سوی یثرب، اسلام به یک قدرت واقعی تبدیل می شد و پیامبر در آینده می توانست برای جنگ با قریش آماده شود.(2)

ب) یثرب می توانست به صورت کانون خطری برای کاروان های مشرکان در آید.(3)

به همین دلیل، مشرکان قریش تصمیم گرفتند از هجرت مسلمانان جلوگیری کنند. ازاین رو، هرکس را که توانستند، برگرداندند و میان زن ها و

1- ابن هشام، سیره النبی، تهران، انتشارات ایران، 1379، ج 2، ص 111.
2- همان، ص 124.
3- رسول جعفریان، حیات سیاسی اسلام، سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله، سازمان چاپ و انتشارات، ج 1، ص 349.

شوهرانشان جدایی انداختند، ولی با خود عهد بسته بودند که این جلوگیری ها نباید به قتل کسی بینجامد؛ چون بیشترِ مهاجران از قبیله های مکه بودند و چه بسا قتل یکی، موجب پدید آمدن جنگی خانمان سوز می شد.(1)

با همه این دشواری ها، هجرت به یثرب متوقف نشد و همه مسلمانان به آن شهر هجرت کردند و جز رسول اکرم صلی الله علیه و آله، حضرت علی علیه السلام، ابوبکر و شماری از مسلمانان که زندانی یا بیمار و ناتوان بودند، کسی در مکه نماند.(2)

ابن هشام و برخی دیگر نوشته اند: «از میان این افراد، ابوبکر نیز چندین بار تقاضای رفتن کرد که پیامبر مخالفت فرمود».(3)

3. اجتماع در دارالندوه

در فاصله کمتر از سه ماه، بیشتر اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله رهسپار یثرب شدند. قریشیان احساس خطر کردند و برای جلوگیری از آن، به هر وسیله ای دست یازیدند. آنان به این منظور در آخر ماه صفر سال چهاردهم بعثت در دارالندوه گرد هم آمدند و به مشورت پرداختند.

دارالندوه، مجلس شورای مکه بود که جد چهارم پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، قصی بن کلاب بنا نهاده بود و هنگام مرگ خویش، دستور داد تا فرزندش

1- سیره المصطفی، ص 246.
2- طبقات، ج 2، ص 226؛ جعفر سبحانی، فروغ ابدیت، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، 1373، ج1، ص342.
3- سیره ابن هشام، ص 124.

عبدالدار آن را اداره کند. پس از مدتی، این بنا جزو مسجد الحرام شد.(1) البته برخی منابع، دارالندوه را منزل شخصی قصی بن کلاب خوانده اند.(2) تاریخ نگاران به روزی که این اجتماع در دارالندوه تشکیل شد، «یوم الزحمه» لقب داده اند.(3) به خاطر اهمیت موضوع، هرکس که اهل رأی بود، در این جلسه مشورتی شرکت می کرد.(4)

در متون تاریخی، شمار شرکت کنندگان متفاوت نقل شده است، ولی بنابر نقل بیشتر کتاب های تاریخی، این تعداد بیش از 40 نفر بوده است که همگی بیشتر از 40 سال سن داشته اند؛ تنها عتبه بن ربیعه کمتر از 40 سال داشت.(5) برخی از این افراد عبارتند از: امیه بن خلف، ابوجهل بن هشام، نضر بن حارث، شیبه بن ربیعه، عتبه بن ربیعه و ابوسفیان حرب.

بسیاری از تاریخ نگاران به حضور ابلیس در قالب پیرمردی نجدی در اجتماع دارالندوه اشاره کرده اند که روایت هایی نیز در تأیید این مطلب وجود دارد.(6) برخی پژوهشگران، حضور ابلیس را این گونه توجیه کرده اند که ابلیس به کسی گفته می شود که کار شیطان گونه می کند و چون پیرمرد نجدی در

1- جوهری، کتاب لغت، ذیل واژه «دارالندوه».
2- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، بیروت، دارالرضاء، 1377، ج 19، ص 31.
3- تاریخ طبری، قاهره، بیروت، انتشارات دارالمعارف، مؤسسه اعلمی، ج 2، ص 99.
4- طبقات، ج 2، ص 228.
5- اعلام الوری، ص 61 .
6- نک: بحارالانوار، ج 19، ص 46؛ عبدعلی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین تفسیر آیه 30 از سوره انفال.

اجتماع دارالندوه، پیشنهادی شیطانی ارائه کرده است، به همین دلیل، به وی، ابلیس گفته اند.(1)

4. پیشنهادهای دارالندوه

بی تردید در اجتماعی که چهل نفر از بزرگان یک قوم برای امر مهمی گرد هم می آیند، پیشنهادهای زیادی ارائه می شود، ولی می توان به سه پیشنهاد اساسی در این جلسه اشاره کرد:

الف) نخستین پیشنهاد این بود که با اخراج پیامبر از مکه، ایشان را تبعید کنند.(2) این پیشنهاد را اسود بن ربیع ارائه داد که با آن موافقت نشد؛ چون می دانستند در بیان پیامبر، اعجازی هست که هر کجا برود، می تواند همه را گِرد خود جمع کند و آنان را پیرو خویش سازد. آن گاه با هم دستی آنان بر مشرکان یورش خواهد آورد.

ب) شخصی که برخی، او را ابوالبختری و برخی دیگر، عروه بن هشام دانسته اند، گفت: بهتر است پیامبر را زندانی کنیم و از روزنه ای کوچک به او نان و آب بدهیم تا از این طریق، از انتشار آیین او جلوگیری کنیم.(3) با این پیشنهاد نیز موافقت نشد؛ زیرا گفته شد یاران وی با شنیدن خبر دستگیری اش به ما حمله می کنند و او را نجات می دهند.

1- رسول جعفریان، تاریخ سیاسی اسلام، صص 350 و 351 پاورقی، برگرفته از: البداء و التاریخ، ج 4، ص 174.
2- ابن برهان حلبی، سیره حلبی، بیروت، دارمعرفه، ج 2، صص 25 و 26.
3- همان؛ فروغ ابدیت، ج 1، ص 343.

ج) پیشنهاد شد نه یک نفر، بلکه از هر قبیله ای یک نفر انتخاب شود و شبانه به خانه پیامبر یورش برند و او را به قتل رسانند؛ زیرا در این صورت، خونِ پیامبر در میان همه قبیله ها پخش می شود و بنی هاشم نمی توانند با همه قبیله ها بجنگند و به دیه راضی خواهند شد. حاضران این پیشنهاد را به اتفاق آرا پذیرفتند.

برخی گفته اند این پیشنهاد را ابوجهل داده است و مورد موافقت همه از جمله پیرمرد نجدی قرار گرفته است. دسته ای نیز بر این باورند که خود پیرمرد نجدی این پیشنهاد را مطرح کرده است.

5. آگاه شدن پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله از تصمیم قریش

بیشتر مفسران شیعه و سنی بر این باورند که فرشته وحی الهی، خبر تشکیل اجتماع در دارالندوه و توطئه مشرکان را به پیامبر رسانده و با برحذر داشتن ایشان از خوابیدن در بستر، حضرت را برای رفتن به کوه ثور فراخوانده است.(1)

ابن سعد در جایی از کتاب طبقات تصریح می کند که جبرئیل خبر اجتماع دارالندوه را به پیامبر داده است، ولی در جای دیگر تردید می کند و می نویسد رقیعه بنت ابوصیفی، خبر این توطئه را به پیامبر رسانده است.

بیشتر مفسران نیز شأن نزول آیه «وَ اِذْ یَمکُرُ بِکَ الَّذینَ کَفَرُوا لِیُثْبِتُوکَ اَوْ یَقْتُلُوکَ اَوْ یُخْرِجوکَ وَ یَمْکُرُونَ وَ یَمکُرُاللّهُ وَ اللّهُ خَیْرُ الْمکِرینَ؛ و [یاد کن] هنگامی را که کافران درباره تو نیرنگ می کردند تا تو را به بند کَشند یا بُکشند یا [از مکه]اخراج کنند و نیرنگ می زدند و

1- طبقات، ج 2، ص 227؛ بحارالانوار، ج 19، ص 31؛ سیره حلبی، ج 2، ص 26.

خدا تدبیر کرد و خدا بهترین تدبیرکنندگان است» (انفال: 30) را توطئه دارالندوه می دانند و معتقدند خداوند با این تدبیر، پیامبرش را از خطری بزرگ آگاه کرده است.

در تفسیر نورالثقلین نیز آمده است که جبرئیل بر رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل شد و به او خبر داد قریش در دارالندوه، اجتماع و به تو پشت کرده اند و آیه ای بدین منظور نازل شد که: «وَ اِذْ یَمْکُرُ بِکَ الَّذینَ کَفَروُا...».

در مقابل، برخی پژوهشگران نزول این آیه را به این مناسبت بعید می دانند؛ زیرا گفته اند این سوره، مدنی است، در حالی که این واقعه پیش از هجرت به یثرب بوده است. البته این استبعاد درست نیست؛ چون ممکن است این آیه یا آیاتی دیگر مکی باشند، حال آنکه سوره مدنی باشد.

بدین ترتیب، رسول خدا صلی الله علیه و آله از سوی خدا مأمور شد که به سوی یثرب برود و این امر، کار آسانی نبود؛ زیرا احتمال داشت او را تعقیب کنند و هجرت را ناتمام بگذارند.

تاریخ نگاران و سیره نویسان چگونگی هجرت پیامبر را بسیار متفاوت نقل کرده اند، ولی همگان اتفاق دارند که پیامبر برای اینکه اوضاع را عادی جلوه دهد تا مشرکان به هجرت ایشان پی نبرند، به علی بن ابی طالب علیه السلام دستور داد در شب هجرت، در بستر پیامبر بخوابد و بُرد سبز رنگی را که هنگام خواب به رویش می کشید، بر روی خود بکشد تا مشرکان خیال کنند پیامبر

در بستر خوابیده است.(1) برخی هم افزوده اند پیامبر به علی علیه السلام فرمود: اگر ابوبکر پیش تو آمد و سراغ مرا گرفت، بگو من در کوه ثورم و برایم یک راهنما و زاد و راحله ای تهیه کن.(2) البته این نقل با آنچه ابن سعد در طبقات و ابن هشام در سیره خود گفته اند که ابوبکر برای پیامبر راحله تهیه کرده است، تفاوت دارد.(3)

به هرحال، موعد مقرر فرا رسید و علی علیه السلام از آغاز شب در خوابگاه پیامبر خوابید. پاسی از شب گذشته بود که چهل نفر از مشرکان به خانه پیامبر رسیدند و اطراف خانه را محاصره کردند. آنها هر از چند گاهی از شکاف در به داخل خانه نگاه می کردند و اوضاع را عادی می پنداشتند و خیال می کردند شخصی که خوابیده، همان مردی است که آنها در پی او هستند.

ساعت حمله بنا به دلایلی، صبح گاهان در نظر گرفته شده بود. شاید یکی از آن دلایل این باشد که مشرکان می خواستند بنی هاشم ببینند قاتل پیامبر از یک طایفه نیست.(4)

6. چگونگی خروج پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله از مکه

در این باره که با وجود محاصره مشرکان، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چگونه توانست از خانه خارج شود، نقل ها فراوان است. برخی گفته اند پیامبر پیش از

1- رنگ برد، قرمز یاد شده است، طبقات، ج 2، ص 228؛ تاریخ طبری، ج 2، ص 372.
2- تاریخ طبری، ج 2، ص 372.
3- طبقات، ج 2، صص 228 _ 235.
4- اعلام الوری، ص 39؛ سیره حلبی، ج 2، ص 19؛ بحارالانوار، ج 19، ص 50.

غروب آفتاب و پیش از اینکه مشرکان، خانه را محاصره کنند، از خانه خارج شده است.(1)

از نقل علی بن ابراهیم قمی در تفسیر آیه 30 از سوره انفال چنین برمی آید که چون مشرکان قصد داشتند در بامدادان و در هوای روشن، به خانه رسول خدا صلی الله علیه و آلهحمله برند، ازاین رو، همه آنان هنگام خروج پیامبر خوابیده بودند و گمان نمی کردند که پیامبر از نقشه آنها آگاه باشد.(2)

برخی گفته اند مشرکان تا لحظه حمله به خانه پیامبر بیدار بوده اند و رسول خدا صلی الله علیه و آله با کرامت و اعجاز چنان از خانه خارج شد که آنها متوجه نشدند. به این ترتیب که حضرت مشتی خاک برداشت و در حالی که آیاتی از سوره یاسین را تلاوت می فرمود، از در خانه بیرون آمد. سپس خاک ها را بر سر مشرکان ریخت و از خانه خارج شد و به سوی مقصدش حرکت کرد.(3)

مطلب مهم در این نقل ها آن است که بسیاری از تاریخ نگاران شیعه و سنی کوشیده اند شکل مهاجرت را به گونه ای نقل کنند که خروج حضرت از محاصره مشرکان، چونان کرامت و اعجاز جلوه داده شود. گرچه گذشتن از میان چهل نفر مرد مسلح بدون کمک خداوند امکان پذیر نیست، ولی دقت در ویژگی های هجرت و نجات پیامبر، افزون بر عنایت خدا، نتیجه یک سلسله

1- سیره حلبی، ج 2، ص 32.
2- فروغ ابدیت، ج 1، ص 346.
3- طبقات، ج 2، ص 228؛ تاریخ طبری، ج 20، ص 372؛ سیره ابن هشام، ج 2، ص 127.

پیش بینی ها، تدبیرها و احتیاط ها بوده است. خوابیدن امام علی علیه السلامدر بستر پیامبر، پنهان شدن حضرت در غار ثور و مانند آن نشان می دهد خدا و پیامبرش خواسته اند این امر از طریق مجاری طبیعی اش جریان یابد. هرچند عنکبوت و کبوتر با عنایت خداوند، حضرت را در این راه یاری دادند، ولی چون حضرت از نقشه مشرکان آگاه بود، می توانست پیش از محاصره از خانه خارج شود و به کرامت و اعجاز هم نیازی نباشد.

7. هجوم مشرکان به خانه وحی

وقتی مشرکان، صبح گاهان به خانه پیامبر وارد شدند، علی علیه السلام از جای خود برخاست و در مقابل آنها نشست. مشرکان با دیدن علی علیه السلام از خشم برافروخته شدند و از وی سراغ پیامبر را گرفتند که ایشان فرمود نمی دانم.(1) بنابر بسیاری از نقل ها، مشرکان حضرت علی علیه السلام را کتک زدند و مدتی هم زندانی کردند.(2) حتی در روایتی از حضرت علی علیه السلام است که «آنان مرا تا سرحد مردن، کتک زدند».(3)

وقتی مشرکان نقشه خود را شکست خورده دیدند، سخت برافروخته شدند و گفتند محمد در این مدت کم، نمی تواند زیاد دور شده باشد. یا در

1- سیره ابن هشام، ج 2، ص 207.
2- تاریخ طبری، ج 2، ص 207؛ بحارالانوار، ج 19، ص 101؛ سیره حلبی، ج 2، ص 194؛ برهان، ج1، ص 207، تفسیر آیه 20 انفال.
3- بحارالانوار، ج 19، ص 101.

مکه پنهان است یا در راه مدینه است. از همین رو، به سرعت کوشیدند او را دستگیر کنند.

8. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله پس از خروج از خانه

غار ثور در جنوب مکه و در مسیری خلاف مسیر یثرب قرار دارد و پیامبر به طرف این غار حرکت کرد تا با این کار مشرکان سرگردان شوند. ازاین رو، آنها بیشتر در راه یثرب به جست وجو می پرداختند.

بیشتر تاریخ نگاران گفته اند پیامبر شب هجرت را با ابوبکر در غار ثور سپری کرد، ولی درباره چگونگی این همراهی، نقل های متفاوت و متعارضی در دست است.

بنابر نقلی از ابن اسحاق، پیامبر به خانه ابوبکر آمد و به همراه او از درِ پشتی خانه ابوبکر خارج شدند و به سوی غار ثور به راه افتادند.(1) بنابر نقلی دیگر، ابوبکر شبان گاهان نزد علی علیه السلام آمد و سراغ پیامبر را گرفت. حضرت او را راهنمایی کرد و وی در راه به پیامبر پیوست.(2) برخی دیگر معتقدند این همراهی کاملاً اتفاقی بوده است و ابوبکر، رسول خدا صلی الله علیه و آلهرا به شکلی تصادفی در راه دید و او را همراه خود برد.(3)

1- سیره ابن هشام، ج 2، صص 129 و 130؛ سیره حلبی، ج 2، ص 128.
2- تاریخ طبری، ج 2، ص 207؛ فصول المهمه، ص47؛ سیره حلبی، ج 2، ص 129.
3- اعلام الوری، ص 63؛ میرزا محمد تقی سپهر، ناسخ التواریخ، تهران، کتاب فروشی اسلامی، ج 1، ص 22؛ فروغ ابدیت، ج 1، ص 348.

9. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در غار ثور

پیامبر به همراه ابوبکر به غار رفت و شب را با او در غار ثور باقی ماند. مشرکان که نقشه خود را شکست خورده می دیدند، به اقدام های تازه ای دست زدند. آنان همه راه های خروجی مکه را کنترل کردند و در شهر اعلام کردند هرکس مخفی گاه محمد را اطلاع دهد، صد شتر جایزه خواهد گرفت. همچنین آنان با استخدام «بَلَدها» و قیافه شناسان ماهر، به تعقیب حضرت پرداختند. شخصی به نام ابوکرز که از قیافه شناسان معروف و ماهر مکه بود و با رد پای پیامبر آشنایی کامل داشت، رد پای پیامبر را تا نزدیکی غار تعقیب کرد، ولی اراده پروردگار بر حفظ جان پیامبر بود؛ زیرا تارهای عنکبوت تنیده شده بر در غار و وجود دو کبوتر در آنجا که همه از امدادهای الهی بود، سبب شد تا مشرکان از ورود به غار منصرف شوند و راه دیگری را در پیش گیرند. بیشتر سیره نویسان، این کرامت را نقل کرده اند و به نظر می آید تلاش برخی در تأویل و تحریف این کرامت به دور از واقعیت باشد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سه روز در غار ثور ماند و در این سه روز، پسر ابوبکر به نام عبدالله به دستور پدرش در میان قریش می گشت و شبان گاهان اخبار را برای حضرت می برد. اسماء دختر ابوبکر نیز برای آنان غذا می آورد.(1)

پس از سه روز، پیامبر به اسماء دستور داد نزد علی علیه السلام برود و او را از

1- سیره ابن هشام، ج 2، صص 129 و 130؛ کامل ابن اثیر، ج 2، ص 73؛ انساب الاشراف، ج2، ص 261.

مخفی گاه پیامبر آگاه سازد و به وی بگوید تا برای پیامبر راهنمایی اجاره کند و او را پس از گذشت یک ساعت از شب به هم_راه سه شتر به مخفی گاه بفرستد. علی علیه السلام نیز شخصی به نام اریقط را استخدام کرد و به همراه سه شتر به غار فرستاد.(1)

بنابر نقل دیگری گفته اند علی علیه السلام از مخفی گاه پیامبر آگاه بود و حتی در طول این سه روز نزد پیامبر می رفت و برای حضرت غذا می برد. در یکی از شب ها که علی به دیدار رسول خدا صلی الله علیه و آله به غار رفته بود، حضرت دستور تهیه شتر را برای خود و هم سفرش صادر کرد که علی علیه السلامراهنمایی اجاره کرد و به همراه غذا و سه شتر پیش پیامبر فرستاد.(2)

در شب چهارم، آن گاه که قریش از دست یابی به پیامبر ناامید شد و راه ها باز شدند، پیامبر با شنیدن صدای شترها، با همراهش از غار خارج و رهسپار یثرب شد.

مسیر مکه تا یثرب نزدیک به چهارصد کیلومتر بود و پیمودن این راه دو مشکل داشت: نخست گرمای طاقت فرسا و دوم وجود اعراب رهگذری که ممکن بود پیامبر را شناسایی کنند و به قریش خبر دهند. برای رفع این مشکل، پیامبر شب ها راه می رفت و روزها استراحت می کرد.

پس از مدتی، پیامبراکرم صلی الله علیه و آله در روز دوازدهم ربیع الاول به قبا رسید.

1- الفصول المهمه، صص 49 و 50؛ الدرالمنثور، تفسیر آیه 30 انفال.
2- ناسخ التواریخ، ج 1، ص19؛ فروع ابدیت، ج1، ص357، برگرفته از: امالی شیخ طوسی.

قبا، نام محله ای در دو فرسخی یثرب است که مرکز قبیله بنی عمرو بن عوف بود. پیامبر در مدت اقامت خود در این محله که به ظاهر پنج روز بوده است، پایه مسجدی را بنا نهاد.

برخی، علت توقف و انتظار پیامبر در محله قبا را پیوستن علیبه آنها می دانند؛(1) چون به توصیه پیامبر، علی علیه السلام در مکه ماند تا ضمن پرداخت دیون و امانت های رسول اکرم صلی الله علیه و آله، زنان هاشمی از جمله فاطمه زهرا علیهاالسلامو مادر مکرمه خود، فاطمه بنت اسد و دیگر مسلمانانی را که تا آن روز موفق نشده بودند مهاجرت کنند، همراه خود به یثرب بیاورد.

بنا به نقل بسیاری از تاریخ نویسان، علی علیه السلام سه روز پس از پیامبر؛ یعنی روز پانزدهم ربیع الاول در محله قبا به حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آلهپیوست.(2)

10. ورود پیامبر اعظم صلی الله علیه و آلهبه یثرب

رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از اقامتی کوتاه در قبا رهسپار یثرب شد و چون مرکب رسول اکرم صلی الله علیه و آله از محله ثنیه الوداع راهی شهر شد، جوانان مسلمان، شهر را غرق شادی کردند. قلب یثرب با آهنگی موزون در انتظار گام های مبارک پیامبر می تپید و شهر در انتظار حکومتی جهانی بر اساس عدل و ایمان نشسته بود.

در این هنگام، قبیله های اَوْس و خزرج که از مهاجرت رسول خدا

1- فروغ ابدیت، ج 1، ص 362.
2- ابن اثیر، کامل، بیروت، داراحیاء التراث العربی، 1348، ج 2، ص 75؛ تاریخ طبری، ج 1، ص 106.

صلی الله علیه و آلهآگاه شده بودند، لباس رزم پوشیدند و به استقبال پیامبر شتافتند. همچنین رؤسای اقوامی که به استقبال حضرت آمده بودند، هر کدام اصرار داشتند پیامبر به منطقه آنان وارد شود، ولی پیامبر می فرمود از پیشرَوی مرکب من جلوگیری نکنید. هر کجا زانو بزند، من همان جا پیاده خواهم شد. سرانجام شتر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در زمین گسترده ای که از آنِ طفل یتیمی به نام اسعد بن زراره بود، زانو زد و افتخار میزبانی از پیامبر بزرگوار اسلام نصیب او گردید.

سیره نویسان نوشته اند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روز جمعه وارد یثرب شد و در نقطه ای که مرکز قبیله بنی سالم بود، نماز جمعه را با اصحاب خود به جای آورد. بنا بر این نظریه، این اولین نماز جمعه در تاریخ اسلام است.(1)

11. نخستین اقدام پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در یثرب

استقبال بی نظیر جوانان و همه گروه ها و قبیله های یثرب، پیامبر را بر آن داشت که پیش از هر کاری، مرکزی عمومی به نام «مسجد» برای مسلمانان بسازد تا کارهای آموزشی، سیاسی و قضایی در آنجا انجام گیرد.

مسجدی که پیامبر ساخت، تنها مرکز پرستش نبود، بلکه تمام معارف و احکام اسلامی و هرگونه آموزش دینی و علمی و حتی امور مربوط به سوادآموزی در آنجا انجام می پذیرفت. از همین رو، تا آغاز قرن چهارم هجری، مسجدها در سراسر دنیای اسلام در خارج از وقت نماز، محل

1- سیره ابن هشام، ج1، صص 500 و 501 ؛ بحارالانوار، ج 19، ص 126.

تدریس و تحصیل بودند. این اقدام پیامبر، درسی آموزنده برای همه مسلمانان است تا همگان را به بازنگری در کارکردهای مسجد برانگیزد.

ص: 24

واقعیت این است که نمی توان به مسئله هجرت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله پرداخت و در برابر شأن والای حضرت علی علیه السلام و جانبازی ایشان، در راه تحقق اهداف پیامبر اسلام سر تعظیم فرود نیاورد.

هجرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله از فرازهای حساس تاریخ اسلام است که حضرت علی علیه السلام در به نتیجه رسیدن آن نقش بسزایی داشته است. به همین دلیل، تاریخ نگاران شیعه و سنی وقتی هجرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله را بررسی می کنند، با اشاره به نقش علی بن ابی طالب علیه السلام در این حادثه، به بارنشستن هدف های هجرت را مدیون جانبازی ایشان می دانند.

خوابیدن در بستر پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و در خطر قرار دادن جان خویش برای حفظ جان پیامبر، فضیلتی بزرگ برای علی علیه السلاماست. عظمت این جان فشانی چنان مهم بود که بنا به گفته همه مفسران شیعه و بسیاری از مفسران اهل سنت، خداوند در ستایش آن، آیه مبارکه زیر را نازل فرمود:(1)

1- آلوسی، روح المعانی، فی تفسیر القرآن، بیروت، داراحیاء التراث العربی، 1364؛ علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، بیروت، مؤسسه اعلمی، 1370؛ ارشاد مفید، ج1، ص 51؛ محمد مکی خوارزمی، المناقب، انتشارات جامعه مدرسین، ص 126؛ سلیمان بن ابراهیم حنفی، ینابیع الموده، چاپ اسوه، 1375، ج 1، ص 273.

وَ مِنَ النّاسِ مَنْ یَشْرِی نَفْسَهُ ابْتِغاءَ مَرْضاتِ اللّهِ وَ اللّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبادِ. (بقره:207)

برخی از مردم، جان خود را برای خشنودی خداوند تقدیم می دارند و خدا با بندگان مهربان است.

مسئله جان فشانی امام علی علیه السلام در لیله المبیت از جمله رخدادهایی است که گاه با بی مهری برخی تاریخ نویسان مغرض روبه رو شده است. آنان کوشیده اند با تأویل و تحریف تاریخ، عمل امیرالمؤمنین علی علیه السلام را کم رنگ جلوه دهند. به همین دلیل گفته اند این کار فضیلتی برای علی علیه السلامبه شمار نمی آید؛ چون علی علیه السلاماز دو راه مطمئن شده بود که با خوابیدن در بستر پیامبر، به او هیچ آسیبی نخواهد رسید:

الف) علی علیه السلام از گفتار خود پیامبر که رسول صدق و راستی است، دریافته بود آسیبی نخواهد دید. پیامبر در شب هجرت به او فرمود: «در بستر من بخواب و بدان که آسیبی به تو نخواهد رسید.»(1) علی علیه السلام با شنیدن این خبر مطمئن شد که آسیبی به او نخواهد رسید.

ب) دوم اینکه پیامبر، پرداخت امانت ها و دیون خود را به علی علیه السلام واگذار کرد. پس می دانست که علی علیه السلام کشته نخواهد شد. علی علیه السلام نیز از این توصیه فهمیده بود که گزندی به او نخواهد رسید. (2)

در پاسخ به این شبهه های بی پایه باید گفت این جمله که پیامبر به امام

1- کامل، ج 2، ص 72؛ تاریخ طبری، ج 2، ص 99؛ سیره ابن هشام، ج 1، ص 483.
2- فروغ ابدیت، صص 352 و 353، به نقل از: احمد بن عبدالحلیم حرانی حنبلی.

علی علیه السلام گفته باشد به تو آسیبی نخواهد رسید، چندان مسلّم نیست و سندی وجود ندارد که پیامبر این جمله را به حضرت علی علیه السلام گفته باشد؛ چون از تاریخ نویسان شیعه کمتر کسی آن را آورده است و اهل سنت نیز در این باره متفق القول نیستند. برای نمونه، گفته ابن سعد در طبقات با گفته طبری در تاریخ طبری یا ابن هشام در سیره هماهنگ نیست و با هم تفاوت دارند.

شیخ طوسی در امالی به صراحت نقل می کند که پس از سپری شدن شب هجرت و در یکی از شب هایی که حضرت در غار ثور بود، علی علیه السلامدر نیمه های شب نزد پیامبر شرف یاب شد. در آنجا پیامبر به علی علیه السلامفرمود که آنان از این پس نمی توانند به تو آسیبی برسانند.(1) این جمله با آنچه در کتاب های اهل سنت آمده است، تفاوت دارد؛ زیرا پیامبر این اطمینان خاطر را در شب دوم یا سوم هجرت به حضرت داده است؛ یعنی زمانی که حادثه لیله المبیت تمام شده بود.

به جز اینها، فرض پذیرفتن چنین جمله ای آن هم در شب هجرت، بیانگر ایمان والای حضرت علی علیه السلام به گفته های پیامبر است؛ زیرا وی بدون هیچ گونه واهمه ای در بستر پیامبر خوابید. بسیاری بودند که چنین اعتقاد راسخی نداشتند و در برخی گفته های پیامبر با دیده شک می نگریستند یا در صورت پذیرش، از سر تسلیم می پذیرفتند، نه از سر رضامندی. علی علیه السلام با

1- «انهم لن یصلوا من الان الیک یا علی بامر تکرهه». فروغ ابدیت، ج1، ص 353.

گفته پیامبر، به چنان یقینی می رسد که حاضر است جان خود را به خطر بیفکند و این برای آن حضرت فضیلتی انکارناپذیر است؛ زیرا عالی ترین درجات ایمان را برای علی علیه السلاماثبات می کند.

دلیل دومی که در کم رنگ کردن فضیلت امام علی علیه السلام بدان دست یازیده اند، این بوده است که گفته اند علی علیه السلام از جمله پیامبر که به ایشان وصیت کرد «تا امانت ها و دیون وی را به صاحبانشان بازگرداند»، فهمید که به وی آسیبی نخواهد رسید. بررسی تاریخی نشان می دهد پیامبر این وصیت را دو شب پس از شب هجرت به علی علیه السلام فرموده است. در سیره حلبی می خوانیم:

در یکی از شب ها که علی علیه السلام به خدمت پیامبر در غار ثور رسید، از جمله سخنان آن حضرت به علی علیه السلام، بازگرداندن امانت ها و ادای دین وی بوده است.(1)

شیخ طوسی نیز با سندهای معتبر نقل می کند که وصیت به ادای دیون و بازگرداندن امانت ها پس از لیله المبیت صادر شده است.(2)

به هر حال، نقش امام علی علیه السلام در شب هجرت تنها خوابیدن در بستر پیامبر نیست، بلکه بنا به گفته تاریخ نویسان شیعه و سنی، امام علی علیه السلامسه مسئولیت جدّی دیگر نیز داشته است:

الف) ادای دیون و بازگرداندن امانت هایی که نزد پیامبر بوده است. علی

1- سیره حلبی، ج 2، ص 37.
2- فروغ ابدیت، ج 1، ص358.

علیه السلام پس از مهاجرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در نقطه ای از مکه ایستاد و گفت: «هر کس پیش محمد، امانت و سپرده ای دارد، بیاید و از ما بگیرد».(1)

ب) مسئولیت دوم علی علیه السلام، حل و فصل امور مسلمانان مکه در نبود رسول اکرم صلی الله علیه و آله بود.(2) اگر چه در مدت زمانی اندک پس از هجرت پیامبر، علی علیه السلام به وی پیوست، ولی در همین فرصت، به مشکلات مسلمانان رسیدگی می کرد.

ج) مسئولیت دیگر علی علیه السلام این بود که بنا به وصیت پیامبراکرم صلی الله علیه و آله می بایست زنان هاشمی به ویژه حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام و فاطمه بنت اسد، مادر بزرگوار خود و همچنین مسلمانانی را که تا آن روز هجرت نکرده بودند، با خود به یثرب ببرد.

علی علیه السلام برای اجرای این فرمان، در دل شب و از راه ذی طوی رهسپار یثرب شد.(3) با آگاه شدن جاسوسان قریش از این هجرت دسته جمعی، مشرکان به تعقیب علی علیه السلام برآمدند و پس از مدتی به حضرت رسیدند. البته علی علیه السلام آنان را تهدید به مبارزه کرد که مأموران قریش به هراس افتادند و بازگشتند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در محله قبا منتظر علی علیه السلام بود که با آمدن

1- همان، ص 362؛ تاریخ طبری، ج 1، ص 106.
2- فضل الله کمپانی، علی کیست، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1363، ص 31.
3- فروغ ابدیت، ج 1، ص 362.

حضرت پس از مدتی کوتاه رهسپار یثرب شد.(1)

ص: 30

1- کامل، ج 2، ص 75.

وجود یک تاریخ معیّن و ثابت در زندگانی اجتماعی بشر ضروری است. خداوند، تعیین «مواقیت» را دلیل اختلاف شکل های هلال ماه معرفی می کند. مطالعه تاریخ نشان می دهد که همه امت ها و ملت های مختلف، تاریخ ویژه ای برای خود داشته اند و هر کدام از این تاریخ ها، مبدأ خاصی داشته است. رویدادهایی مانند پیدایش بشر و هبوط آدم، توفان نوح، سال سرنگونی ابرهه در حمله به خانه خدا (عام الفیل) و... از مبدأهای تاریخ بوده اند. این مطلب روشن می کند که همه ملت ها بر اساس فطرت خود، رخدادهایی را مبدأ تاریخ خویش قرار داده اند که اهمیت داشته است.

حال، در دنیای اسلام اگر قرار باشد رخدادی را مبدأ تاریخ قرار دهیم، کدام رویداد شایسته تر است؟ کدام یک از سال های تولد پیامبر، بعثت پیامبر یا سال هجرت پیامبر از مکه به مدینه اهمیت بیشتری در تاریخ اسلام دارند تا مبدأ تاریخ قرار گیرند؟ بی شک، همه این موارد در تأسیس حکومت جهانی اسلام و فروپاشی امپراتوری های بزرگ جهان نقش بسزایی داشته اند، ولی در این میان، نقش هجرت در ایجاد حکومت اسلامی از همه رخدادهای دیگر چشم گیرتر است.

اعراب پیش از اسلام، عام الفیل را مبدأ تاریخ قرار داده بودند و امور خود

را بر اساس آن تنظیم می کردند. رسول خدا صلی الله علیه و آله در این سال زاده شد، ولی اینکه چرا مسلمانان آن را مبدأ تاریخ خویش قرار ندادند، به این دلیل است که آن حادثه با ایمان آوردن مسلمانان گره نخورده بود. سال بعثت نیز مبدأ تاریخ اسلام شمرده نشد؛ چون در آن زمان شمار مسلمانان از سه نفر تجاوز نمی کرد، ولی در سال اول هجرت، مسلمانان به یک پیروزی مهم دست یافتند و زمینه ایجاد یک حکومت جهانی اسلامی را فراهم آوردند و در منطقه ای آزادانه تمرکز یافتند. ازاین رو، آن سال، مبدأ تاریخ اسلامی قرار گرفت. در این میان، پرسش این است که چه کسی این مبدأ را برای تاریخ اسلام در نظرگرفته است؟

بیشتر سیره نویسان بر این باورند که تعیین هجرت نبوی به عنوان مبدأ تاریخ مسلمانان، در زمان خلافت خلیفه دوم و به دستور وی بوده و همه بر این باورند که حضرت علی علیه السلام این پیشنهاد را داده است. «... در ربیع الاول سال 16 هجری، عمر بن خطاب برای نخستین بار مبدأ تاریخ را تعیین کرد. علت این کار، آن بود که سندی را پیش عمر بردند که تاریخ پرداخت دَیْنِ آن ماه شعبان بود. عمر پرسید کدام شعبان؟ آیا این شعبان، یا شعبان آینده یا گذشته؟ سپس مردم را جمع کرد و به آنها گفت: برای مردم چیزی وضع کنید که با آن، وقت رسیدن دیون خود را بشناسند.

برخی گفتند: به سبک فارسی (هرمزان ایرانی) تاریخ گذاری کنید؛ یعنی همان گونه که فارس ها آغاز سلطنت پادشاه خود را مبدأ تاریخ قرار می دادند، ... شما هم چنین کنید، ولی این پیشنهاد رد شد. بعضی گفتند: مبدأ تاریخ را از زمان اسکندر قرار دهید. این پیشنهاد نیز به دلیل طولانی بودنِ زمان آن

پذیرفته نشد. گروهی دیگر گفتند سال بعثت پیامبر را مبدأ تاریخ قرار دهید و دسته ای دیگر سال تولد پیامبر را پیشنهاد کردند. امیر مؤمنان آخرین کسی بود که پیشنهاد کرد. او گفت: سال هجرت پیامبر از مکه به مدینه را مبدأ تاریخ قرار دهید؛ زیرا این واقعه برای همه مردم مشخص است. آن گاه عمر و صحابه این پیشنهاد را پذیرفتند و عمر دستور داد سال هجرت، مبدأ تاریخ قرار گیرد».(1)

یعقوبی در زمینه رخدادهای سال 16 هجری می نویسد:

در آن سال نامه ها را تاریخ گذاری کردند و تصمیم گرفتند که سال بعثت مبدأ تاریخ باشد. برخی دیگر گفتند سال تولد رسول اکرم صلی الله علیه و آله مبدأ در تاریخ باشد، ولی علی علیه السلام پیشنهاد کرد که آغاز تاریخ، هجرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله باشد.(2)

در مقابل این نظریه، برخی تاریخ نگاران (که بیشتر شیعه هستند) معتقدند در زمان خود رسول اکرم صلی الله علیه و آله و به دستور شخص ایشان، هجرت، مبدأ تاریخ قرار گرفته است.(3)

1- سیدجعفر مرتضی عاملی، تحقیقی درباره تاریخ هجری، واحد تحقیقات اسلامی بنیاد بعثت، صص 20 _ 22؛ اسماعیل بن کثیر، البدایه و النهایه، بیروت، دارالکتب العلمیه، 1369، صص 7، 73 و 74.
2- احمد بن اسحاق یعقوبی، تاریخ یعقوبی، تهران، وزارت فرهنگ و آموزش عالی، 1366، ج 2، ص 145.
3- تحقیقی درباره تاریخ هجری، ص 23؛ جعفر سبحانی، سید المرسلین، ج 1، ص 609 .

تاریخ نویسان موارد زیادی را نقل کرده اند که در آنها، پیامبر مکاتبه هایی داشته است که همه آنها به سال هجری، تاریخ خورده اند. برای مثال، به چند نمونه اشاره می کنیم:

1. نامه صلحی که امام علی علیه السلام به دستور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای نصارای نجران نوشت، به سال پنجم هجری قمری تاریخ خورده است. در این رساله آمده است: «وَ اَمَرَ عَلِیّا اَنْ یَکْتُبَ فیهِ اِنَّهُ کُتِبَ لِخَمْسٍ مِنَ الْهِجْرَهِ؛ به علی علیه السلامدستور داد در آن نامه بنویسد که این نامه، در سال پنجم هجری نوشته شد».(1)

2. در روایت است که سلمان فارسی از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آلهوصیتی خواست و پیامبر به علی علیه السلام املا فرمود و حضرت نوشت. آن گاه در پایان این نامه، پیامبر دستور داد در آخر نامه نوشته شود: «کَتَبَ عَلیُّ بْنُ اَبیطالِبٍ بِاَمْرِ رَسُولِ اللّهْ فِی شَهْرِ رَجَبِ سِنَهَ تِسْعٍ مِنَ الْهِجْرَهْ؛ این نامه به دست علی علیه السلامو به دستور رسول اکرم صلی الله علیه و آلهدر ماه رجب سال نهم هجری نوشته شد».(2)

3. تاریخ نگاران از قول پیامبر درباره شهادت امام حسین علیه السلام نقل کرده اند که حضرت به ام سلمه فرمود: «حسین علیه السلامدر پایان سال 60 هجری شهید می شود».(3)

افزون بر این موارد، نظریه های برخی تاریخ نویسان نیز این مطلب را تأیید می کند که بنیان گذار تاریخ هجری، شخص رسول اکرم صلی الله علیه و آله بوده است. از

1- سید المرسلین، ج 1، ص 610.
2- همان، ص 609.
3- همان، ص 611.

آن جمله، تاریخ طبری می نویسد: «لَمّا قَدِمَ رَسُولُ اللّهِ صَلَی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ اَلْمَدینَهَ اَمَرَ بِالتّارِیخِ؛ وقتی رسول اللّه صلی الله علیه و آله وارد مدینه شد، به ثبت تاریخ دستور داد.»(1) همچنین حاکم از ابن عباس نقل می کند که: «تاریخ هجری از سال اول که پیامبر به مدینه وارد شد، تعیین گردید».(2)

البته آنهایی که با توجه به قرینه ها و شواهد تاریخی، نبی اکرم صلی الله علیه و آله را بنیان گذار تقویم هجری می دانند، در برخورد با تاریخ نگارانی که خلیفه دوم را وضع کننده هجرت به عنوان مبدأ تاریخ معرفی می کنند، می گویند آنچه در زمان عمر روی داد، تغییر دادن مبدأ سال از ربیع الاول به محرم بوده است.(3)

در اینکه چه کسی پیشنهاد داده است تا مبدأ سال از ربیع الاول، یعنی ماه هجرت پیامبر، به محرم منتقل شود، اختلاف نظر وجود دارد. برخی گفته اند شخص پیشنهاددهنده عثمان بن عفان بوده است. دسته ای عبدالرحمن بن عوف را پیشنهاددهنده می دانند و گروهی دیگر گفته اند پیشنهاددهنده، علی علیه السلام بوده است.(4)

1- تاریخ طبری، ج 2، ص 110.
2- سید المرسلین، ج1، ص 612.
3- تحقیقی درباره تاریخ هجری، ص 23.
4- همان.

فصل چهارم: آموزه های هجرت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

اشاره

بررسی رخدادهای تاریخی، زمانی سودمند است که با نگرشی درست و حکیمانه به آنها نگریسته شود. به این معنا که تاریخ را تنها یک رسانه خبردهنده از سرگذشت پیشینیان ندانیم، بلکه آن را درس نامه و عبرت نامه ای بدانیم که در پس هریک از برگ هایش، پندها، هشدارها و عبرت هایی نهفته است. نگاه حکیمانه به رخدادهای تاریخی، با اندیشه و تأمل کردن در آنها به دست می آید.

درس ها و عبرت هایی که از رخدادهای نقل شده از هجرت تاریخی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله از مکه به یثرب به دست می آید، از چند جنبه قابل تبیین است. جنبه هایی مانند: سیره رفتاری آن حضرت در طول هجرت؛ وقایع رخ داده در مسیر هجرت؛ رفتار اصحاب و دشمنان آن حضرت. به طور کلی، آموزه های این هجرت را در چند بند می شماریم:

1. حفظ دین به بهای هجرت

وقتی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله شرایط مکه را با بقای دین در تضاد دید، تنها راه رهایی را در هجرت از مکه یافت. این سیره عملی پیامبر، به مسلمانان می آموزد که اگر شرایط محل زندگی چنان رقم خورده باشد که دین داری

انسان با خطر روبه رو شود، باید با تغییر محل زندگی، دین خود را حفظ کرد. قرآن کریم با صراحت دستور داده است که اگر در محیطی به دلیل عواملی نتوانستید وظیفه خود را به انجام رسانید، به منطقه امن دیگری هجرت کنید. علت این دستور آن است که اسلام، دینی منطقه ای نیست و به مکان و محیطی خاص محدود نمی شود، بلکه حفظ دین و ارزش های دینی اهمیت دارد. هجرت تنها وظیفه مسلمانان عصر پیامبر نبوده است، بلکه اگر آن شرایط برای هر کسی و در هر زمانی پیش آید، وظیفه او هجرت است. برای مثال، چه بسا وظیفه یک فرد مسلمان در عصر ما برای حفظ دینش، هجرت از شهری به شهر دیگر یا از محله ای به محله دیگر یا تغییر محل تحصیل یا کار خود باشد. جای بسی تعجب و تأسف است که امروزه، برخی مسلمانان بدون توجه به آموزه های دینی، از کشورهای اسلامی به کشورهای کفر هجرت می کنند و آنجا را محل زندگی دایمی خود قرار می دهند، در حالی که بسیاری از مسلمانان کشورهای غیراسلامی از دورترین نقاط جهان، برای فراگیری علوم دینی به ایران اسلامی هجرت کرده اند.

قرآن کریم در داستان اصحاب کهف، ارزش هجرت از محیط های آلوده را به تصویر کشیده است. اصحاب کهف کسانی بودند که خانه های شاهانه و زندگانی مرفه و سرشار از نعمت های مادی را رها کردند و به انواع محرومیت ها تن دادند تا ایمان و دین خود را حفظ کنند.

2. جان فشانی در راه حفظ دین

به جان خریدن سختی ها و گرفتاری ها در راه حفظ دین، از مهم ترین جنبه های سیره عملی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله است. هجرت پیامبر، سفری همراه با سختی های فراوان بود؛ زیرا این سفر شبانه آغاز شد و پیامبر مجبور شد سه روز تمام در غار ثور بماند. مدت این سفر، دوازده شبانه روز و مسیر آن، چهارصد کیلومتر در راه های ناهموار و بیابان های خشک و سوزان مکه بود. افزون بر این، آن حضرت برای پنهان ماندن از دید تعقیب کنندگان، مجبور بود شب ها حرکت کند و روزها پنهان شود. البته هجرت پیامبر تنها یکی از مشکلاتی بود که در طول عمر پربرکت آن حضرت پیش آمد؛ زیرا پیامبر از آغاز بعثت همواره با سختی های بسیاری روبه رو بود.

امروزه نیز هر مردی در روبه رو شدن با مسائل روزانه، مشکلات خاصی دارد. انسان های دین دار همواره با سختی ها و سنگ اندازی های دشمنان و هواپرستان روبه رو می شوند و هرگز از کینه توزی های آنان در امان نیستند. در این میان، کسی می تواند دین خود را حفظ کند که به پیروی از پیامبر، همه گرفتاری ها را با تحمل و شکیبایی پشت سر بگذارد و هرگز به سبب پدید آمدن مشکلات، از دین خود دست برندارد.

یکی دیگر از بزرگ ترین درس های هجرت، جان فشانی حضرت علی علیه السلام برای حفظ دین و به دست آوردن خشنودی الهی است. آن گاه که مشرکان مکه نقشه قتل پیامبر را طراحی کردند و جبرئیل امین، حضرت را از نقشه آنان باخبر کرد، پیامبر جریان را با علی علیه السلام در میان گذاشت. برای اینکه پیامبر بتواند به سلامت از مکه خارج شود، علی علیه السلام در بستر ایشان

خوابید(1) و این آیه در شأن آن حضرت نازل شد:

وَ مِنَ النّاسِ مَنْ یَشْرِی نَفْسَهُ ابْتِغاءَ مَرْضاتِ اللّهِ وَ اللّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبادِ. (بقره: 207)

و از مردم، کسی است که برای به دست آوردن خشنودی خدا، جان خود را به خطر می اندازد و خداوند درباره بندگان، مهربان است.

برابر روایتی که فخر رازی نقل کرده است، خداوند به سبب این کار علی علیه السلام، نزد فرشتگانش مباهات کرد.(2)

علی علیه السلام در واقعه هجرت پیامبر، بیش از دیگر اصحاب با سختی ها و مشکلات روبه رو شد. آن حضرت، افزون بر خوابیدن در بستر پیامبر و برگرداندن امانت ها و پرداخت دَیْن های پیامبر، شماری از بانوان خاندان پیامبر را نیز از مکه به مدینه آورد. به نقل تاریخ، آن حضرت، بانوان را بر مرکب ها نشاند و خود جلو کاروان با پای پیاده مسیر را می پیمود، به گونه ای که پاهای مبارک آن حضرت، زخم های بسیار برداشت. باید دانست آنچه این همه سختی ها را بر علی علیه السلامآسان می کرد، عشق او به پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و روحیه ولایت مداری و فرمانبری آن حضرت بود.

1- البته خوابیدن حضرت علی علیه السلام در بستر پیامبر در شب هجرت، نخستین بار نبود، بلکه حضرت ابوطالب، در دوره محاصره بنی هاشم در شعب ابی طالب، هر شب علی علیه السلام را در بستر پیامبر می خوابانید.
2- محمد رازی، تفسیر الفخر الرّازی المشتهر بالتفسیر الکبیر و مفاتیح الغیب، لبنان، بیروت، دارالفکر، ج 3، 1415 ه . ق / 1995م، ص 222.

3. بازگرداندن امانت ها و ادای دین پیش از هجرت

امانت و دین، حق الناس است و چون احتمال دارد هر سفری، بی بازگشت باشد، مسافر باید پیش از سفر، امانت ها را بازگرداند و دین هایش را ادا کند.

پیامبر نیز پیش از هجرت از مکه، به حضرت علی علیه السلامسفارش هایی کرد. از آن جمله اینکه در روز روشن با صدای رسا اعلام کند هرکس نزد محمد امانتی دارد یا از او طلبکار است، بیاید و بگیرد.(1)

4. تأمین شخصی هزینه های سفر

بنا بر نقل تاریخ، در یکی از شب هایی که علی علیه السلام در غار ثور خدمت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله رسید، پیامبر به علی علیه السلام دستور داد که دو شتر برای ایشان (پیامبر و هم سفرش) تهیه کند. در این هنگام، ابوبکر گفت: من پیش تر دو شتر برای شما و خودم آماده کرده ام. پیامبر فرمود: من با پرداخت قیمت، آنها را می پذیرم. سپس به علی علیه السلام دستور داد که قیمت شتر را بپردازد.(2)

5. اصل تدبیر، شرط رسیدن به هدف

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در اجرای هر کار یا رسیدن به هر هدفی، تدبیر و دوراندیشی را به کار می بست. هجرت ایشان از مکه به یثرب یکی از برنامه هایی بود که در رسیدن به آن، هر مرحله ای را با تدبیر و رعایت همه جنبه های احتیاط پیمود. برای مثال، خوابیدن حضرت علی علیه السلام در بستر

1- فروغ ابدیت، ج 1، ص432.
2- همان.

خویش برای فریب دادن دشمن، خارج شدن شبانه از مکه، انتخاب مسیری خلاف مسیر یثرب (پیامبر به سمت جنوب مکه که غار ثور در آنجا بود، حرکت کرد)،(1) پنهان شدن در غار ثور و توقف سه روزه در آنجا(2) از مسائلی بود که با تدبیر دقیق پیامبر صورت گرفت.

6. پشتیبانی خداوند از دین داران

وقتی مشرکان با هدایت ابوکرز _ ردّیاب ماهر _ پس از پی گرفتن ردّ پای پیامبر به غار ثور رسیدند، عنکبوتی را دیدند که بر دهانه غار، تاری تنیده و کبوتری در آنجا تخم گذارده است. آنان با خود گفتند این غار، متروکه است و کسی نمی تواند وارد آن شده باشد.(3)

پیام این رویداد آن است که خداوند، کسی را که در راه دینش گام بردارد و در این راه با خطر روبه رو شود، یاری می رساند و او را از شر دشمنان حفظ می کند. این امر، سنتی الهی است و تنها به این رخداد اختصاص ندارد، بلکه هرکس در هر جایگاهی که باشد، اگر در راه دین خدا گام بردارد و در این راه خطری متوجه او شود، خداوند او را یاری می رساند و شرّ بدخواهان را از او دور می کند.

1- همان، ص 424.
2- رسول جعفریان، تاریخ سیاسی اسلام، سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله، قم، الهادی، 1377، چ 1، ج 1، ص 410.
3- سیدجعفر مرتضی عاملی، الصحیح من سیره النبی الاعظم، بیروت، دارالهادی، 1415، ج 4، ص 11.

7. تقوا، معیار هر انتخاب

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله پس از ورود به روستای قبا، از میان خانه های زیادی که در آن روستا بود، خانه کلثوم بن هدم بن امری القیس را _ که مردی نابینا و باتقوا بود _ به عنوان محل استراحت خویش برگزید. با اینکه اگر معیار پیامبر در انتخاب خانه ای برای استراحت، بزرگ بودن و مجلل بودن بود، خانه ای غیر از خانه این پیرمرد باتقوا را برمی گزید.

8. رعایت حال میزبان در سفر

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله که در منزل کلثوم بن هدم منزل گزیده بود، برای سخنرانی، نماز جماعت و دیدارهای مردمی به خانه سعد بن خیثمه می رفت و این امور را در آنجا انجام می داد. دلیل این کار آن بود که کلثوم بن هدم، مردی متأهل بود، ولی سعد بن خیثمه مجرد بود و اهل و عیالی نداشت.(1) پیامبر این کار را برای راحتی خانواده کلثوم بن هدم انجام می داد.

9. امر به معروف و نهی از منکر در همه جا

بنا بر نقل تاریخ، وقتی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله به روستای قبا وارد شد، خطاب به مردم قبا فرمود:

آشکارا سلام کنید و از طعام خود به دیگران بخورانید. صله رحم کنید و شب هنگام _ که همگان در خوابند _ نماز (شب) بخوانید تا به سلامت وارد

1- ابوالفداء اسماعیل بن کثیر الدمشقی، السیره النبویه، تحقیق: محمد المعتصم بالله البغدادی، بیروت، دارالکتاب العربی، 1420 ه . ق / 1999 م، چ 2، ج 2، ص 234.

بهشت شوید.(1)

همچنین نقل شده است که نخستین دستور پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله به اهل قبا، شکستن بت هایی بود که در آن روستا وجود داشت. مردم قبا نیز فرمان پیامبر را اطاعت کردند و بت ها را پس از شکستن، در آتش سوزاندند.(2) پیامبر با این کار، به همگان آموخت که عمل به واجبات اسلام از جمله امر به معروف و نهی از منکر، در هر زمان و هر شرایطی باید جدّی گرفته شود. برای مثال، اگر در سفر، امر معروفی را ترک شده دیدیم، به انجام دادن آن امر کنیم و اگر منکری را در حال انجام دیدیم، از آن نهی کنیم.

10. احترام به پیشنهادهای سازنده

مسجد قبا بنا بر نقل تاریخ نویسان، به پیشنهاد عمار بن یاسر و موافقت و استقبال پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله ساخته شد. آن حضرت در بسیاری از رویدادها با اصحاب مشورت می کرد و از آنها نظر می خواست. ایشان به نظر آنان احترام می گذاشت و اگر اصحاب پیشنهاد خوبی مطرح می کردند، با کمال میل آن را عملی می کرد.

11. همکاری در کارها

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در ساختن مسجد قبا مشارکت جدّی داشت و دوشادوش دیگر مسلمانان کار می کرد. آن حضرت چوب و سنگ می آورد و

1- رسول جعفریان، آثار اسلامی مکه و مدینه، تهران، نشر مشعر، 1381، چ 1، ص 225.
2- مطهر بن طاهر المقدسی، البدء و التاریخ، بیروت، دارصار، 1903 م، ج 4، ص 177.

مانند کارگری ساده در بنای مسجد شرکت داشت. ایشان هرگز به سبب مقامش، خود را از دیگران جدا نمی کرد و حتی بیش از دیگران کار می کرد، به گونه ای که تنها به انجام کارهای آسان نمی پرداخت، بلکه کارهای سنگین و سخت مانند برداشتن سنگ های بزرگ را نیز انجام می داد؛ گویا آن کارها را وظیفه خود می دانست. یکی از بزرگان انصار نقل کرده است:

حضرت محمد صلی الله علیه و آله را دیدم که سنگ بزرگی را حمل می کرد. جلو رفتم تا سنگ را از او بگیرم و خود آن را حمل کنم، ولی با خودداری پیامبر روبه رو شدم، به گونه ای که آن حضرت به من فرمود: تو خود برو و مانند من سنگی را بیاور.(1)

شأن و مقام هرگز نباید سبب خودبرتربینی و جدا دانستن فرد از دیگران شود. البته این شأن و مقام تنها در مقام های معنوی خلاصه نمی شود، بلکه هرگونه برتری و خودبزرگ بینی را در برمی گیرد. باید از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله درس آموخت و دانست که داشتن مدرک و مقام علمی، داشتن نسب های برجسته، سرمایه دار بودن، شهرت و آوازه داشتن، برخورداری از هوش و استعداد بالا، داشتن سابقه و تجربه، بالا بودن سن و سال و مانند آن، هرگز نباید برای کسی تکبر بیاورد.

1- محمد بن علی بن علان مکّی صدیقی، حُسنُ النبأ فی فضلِ مسجد قبا، تحقیق: مرزوق علی ابراهیم، ریاض، دارالشریف، 1418ه . ق، چ 1، ص 38.

12. تبلیغ همیشگی آموزه های دینی

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله هنگام ساختن مسجد قبا، این گونه زیر لب زمزمه می کرد:

قَدْ أفْلَحَ مَنْ یَعْمُرُ الْمَساجِدَ

یَقْرَأُ الْقُرآنَ قائِما وَ قاعِدا

کسی رستگار است که به ساختن مسجدها می پردازد و در آن حال، نشسته و ایستاده قرآن می خواند.(1)

در این جمله پیامبر، درس تشویق به ساختن مسجد به عنوان یکی از زمینه های رستگاری بشر نهفته است. افزون بر آن، عمل پیامبر، آموزنده این درس نیز هست که وقتی پیامبر حتی هنگام ساخت مسجد، از معارف دینی سخن می گوید، معلوم می شود تبلیغ معارف دینی، زمان و مکان نمی شناسد و بدون امکانات هم قابل اجراست.

13. مؤمن و هجرتی از درون و بیرون

هجرت پیش از آنکه جنبه برونی داشته باشد، جنبه درونی دارد. نخست باید در درون، هجرتی صورت گیرد تا زمینه برای هجرت برونی فراهم شود. هجرت درونی، هجرت از ظلمت به نور، از کفر به ایمان، از شرک به توحید و از آلودگی ها به پاکی هاست. ازاین رو، در آموزه های دینی ما آمده است که هجرت واقعی، مهاجرت درونی است و آنان که تنها جسمشان هجرت

1- محمدسهیل بهرام نسب، استوانه نور، قم، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، 1383، ص 31.

می کند و در روحشان هجرتی صورت نمی گیرد، هجرت کنندگان واقعی نیستند.

امیرمؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «بعضی می گویند مهاجرت کرده ایم، در حالی که مهاجرت واقعی نکرده اند؛ مهاجران واقعی آنها هستند که از گناهان هجرت می کنند و مرتکب آنها نمی شوند.»(1) بنابراین، هجرت برای مؤمن حقیقی، تنها انتقال از مکانی به مکان دیگر نیست، بلکه چون مؤمن همواره از پستی ها و گناهان و بدی ها، به سوی فضیلت ها و پاکی ها هجرت می کند، پیوسته فردی مهاجر است و البته هجرت او، هجرت الی الله به شمار می رود.

1- ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، قم، دارالکتب الاسلامیه، 1368، چ 10، ج 4، ص 93.

فصل پنجم: هجرت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در آیینه قرآن

اشاره

آیات هجرت افزون بر اینکه بیان کننده جنبه هایی از این هجرت تاریخی پیامبر است، در واقع، بخشی از هجرت است. این آیات، درس ها و عبرت های آموزنده ای دارد که هدف های اصلی نزول آنها به شمار می آیند. اکنون به بررسی مهم ترین آیات قرآن درباره موضوع هجرت می پردازیم.

آیه نخست

إِنَّ الَّذینَ تَوَفّاهُمُ الْمَلائِکَهُ ظالِمی أَنْفُسِهِمْ قالُوا فیمَ کُنْتُمْ قالُوا کُنّا مُسْتَضْعَفینَ فِی الْأَرْضِ قالُوا أَ لَمْ تَکُنْ أَرْضُ اللّهِ واسِعَهً فَتُهاجِرُوا فیها فَأُولئِکَ مَأْواهُمْ جَهَنَّمُ وَ ساءَتْ مَصیرًا

(نساء: 97)

کسانی که بر خویشتن ستم کار بوده اند، [وقتی] فرشتگان جانشان را می گیرند، می پرسند: «در چه [حال] بودید؟»، پاسخ می دهند «ما در زمین از مستضعفان بودیم.» می گویند: «مگر زمین خدا وسیع نبود تا در آن مهاجرت کنید؟» پس جایگاه آنان دوزخ است و دوزخ، بدفرجامی است.

پیام آیه(1)

1- محسن قرائتی، تفسیر نور، قم، در راه حق، 1379، چ 5، ج 2، صص 218 و 219.

1. هجرت از محیط کفر در صورت ضربه خوردن دین و امکان هجرت واجب است و ماندن زیر لوای کفر حرام است. انسان اگر می تواند، باید محیط را تغییر دهد، و گرنه باید از آنجا هجرت کند تا در قیامت، بازخواست نشود.

2. هرچند محیط و فضای فکری جامعه، بر انسان أثر می گذارد، ولی او را به انجام کاری مجبور نمی سازد. پس انسان می تواند با هجرت، جبر محیط و تاریخ را درهم بشکند.

3. ترک هجرت و از دست دادن هدف و عقیده، ستم به خویش است.

4. مقدمه امر واجب، واجب است. آن که با دست خود زمینه های گناه را فراهم کند، عذری نخواهد داشت.

5. اصل، هدف و عقیده انسان است، نه حفظ زندگی و خانه. بنابراین، اصل، خداپرستی است، نه وطن پرستی.

6. نخست باید زمینه های اصلاح را فراهم ساخت و سپس مردم را توبیخ کرد. از همین رو، خداوند، نخست، زمین خود را برای همگان می گستراند و آن گاه از ترک هجرت انتقاد می کند.

آیه دوم

وَ مَنْ یُهاجِرْ فی سَبیلِ اللّهِ یَجِدْ فِی اَلْأَرْضِ مُراغَمًا کَثیرًا وَ سَعَةً وَ مَنْ یَخْرُجْ مِنْ بَیْتِهِ مُهاجِرًا إِلَی اَللّهِ وَ رَسُولِهِ ثُمَّ یُدْرِکْهُ اَلْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَی اللّهِ وَ کانَ اللّهُ غَفُورًا رَحیمًا. (نساء:100)

و هرکه در راه خدا هجرت کند، در زمین اقامت گاه های فراوان و گشایش ها خواهد یافت. هر کس [به قصد] مهاجرت در راه خدا و پیامبر او از خانه اش به درآید، سپس مرگش در رسد، پاداش او به یقین با خداست و خدا،

آمرزنده مهربان است.

پیام آیه

1. هجرت، زمینه ساز قدرت، حکومت و رشد است (من یهاجر... یجد فی الارض مراغما).(1)

2. با نیت هجرت و با نخستین گام ها و خروج از وطن، انسان به مقام هایی می رسد (و من یخرج من بیته).(2)

3. انسان در پیروی از راه خدا و رسولش نباید نگران مرگ و زندگی اش باشد (ثم یدرکه الموت).(3)

4. همه هجرت های مقدس، مانند هجرت برای جهاد، تحصیل علم، تبلیغ و...، مصداق این آیه است.(4)

5. پاداش «مهاجر» با خداست؛ یعنی ارزش کار او بالاتر از بهشت است (وقع اجره علی اللّه).(5)

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در روایتی می فرماید:

کسی که برای حفظ آیین خود از سرزمینی به سرزمین دیگر حتی به اندازه یک وجب مهاجرت کند، سزاوار بهشت است و هم نشین من و ابراهیم

1- تفسیرنور، ج 2، ص 421.
2- همان.
3- همان.
4- همان.
5- همان.

علیه السلام خواهد بود.(1)

آیه سوم

وَ إِذْ یَمْکُرُ بِکَ الَّذِینَ کَفَرُوا لِیُثْبِتُوکَ أَوْ یَقْتُلُوکَ أَوْ یُخْرِجُوکَ وَ یَمْکُرُونَ وَ یَمْکُرُ اللّهُ وَ اللّهُ خَیْرُ الْماکِرِینَ. (انفال: 30)

و [یاد کن] هنگامی را که کافران درباره تو نیرنگ می کردند تا تو را به بند کشند یا بکُشند یا [از مکه] اخراج کنند و نیرنگ می زدند و خدا تدبیر می کرد و خدا بهترین تدبیرکنندگان است.

این آیه به آغاز هجرت اشاره دارد که مشرکان خواستند پیامبر را زندانی کنند یا بکشند یا تبعید کنند. آن حضرت به واسطه جبرئیل، از نقشه آنها آگاه شد و شبانه مکه را ترک کرد و در غار ثور پنهان شد. سرانجام با تنیده شدن تار عنکبوت بر دهانه این غار، طرح مشرکان به طور کامل نقش بر آب گشت.

پیام آیه(2)

1. خطرهایی را که خدا از شما دور کرده است، به یاد آورید تا آرامش و قوت قلب بگیرید (و اذ یمکر بک...).

2. مشکلات پیامبران، افزون بر لجاجت و عناد مشرکان، تهدیدها و توطئه های فراوان آنان بوده است (و اذ یمکر).

3. زندان و ترور و تبعید، ابزار دست جباران تاریخ برای مقابله با حق است.

1- تفسیر نمونه، ج 4، ص 93.
2- تفسیر نور، ج 4، ص 324.

4. تمامی اندیشه های انسان ها زیر نظر خداست (و یمکرون و یمکر اللّه).

5. خداوند هر جا لازم باشد، اولیای خود را از توطئه ها آگاه می کند. طرحی را که مشرکان می خواستند کسی نداند، همه دنیا فهمید.

6 . هر کس با طرفداران حق نیرنگ کند، خداوند او را به نیرنگی پیچیده گرفتار می کند (یمکرون و یمکر اللّه).(1)

7. چنان نیست که ابرقدرت ها همواره به اهدافشان برسند.(2)

8 . هر چه طرح و توطئه قوی تر باشد، خداوند با موجود ضعیف تری، آن را خنثی می کند. مرگ سلیمان با موریانه ای کشف می شود؛ بلقیس را هدهد دعوت می کند. کلاغ، بنی آدم را آموزش می دهد؛ فیل سواران ابرهه با ابابیل و نمرود با پشه نابود می شوند و توطئه کفار مکه با تار عنکبوت خنثی می شود.(3)

آیه چهارم

کسانی که ایمان آورده و هجرت کرده اند و در راه خدا با مال و جان خود جهاد کرده اند و کسانی که [مهاجران را] پناه داده اند و یاری کرده اند، آنان یاران یکدیگرند و کسانی که ایمان آورده اند، ولی مهاجرت نکرده اند، هیچ گونه خویشاوندی [دینی] با شما ندارند؛ مگر آنکه [در راه خدا] هجرت کنند. اگر در [کار] دین از شما یاری جویند، یاری آنان بر شما [واجب] است، مگر علیه گروهی باشد که میان شما و آنان پیمانی [منعقد شده] است و

1- همان.
2- همان.
3- همان.

خدا به آنچه انجام می دهید، بیناست. (انفال: 72)

پیام آیه

1. مسلمان بودن و ایمان داشتن بدون تلاش ممکن نیست. مسلمانان صدر اسلام یا مهاجر بوده اند یا پناه دهنده به مهاجران؛ یا جهادگر بوده اند یاپشتیبان مجاهدان.(1)

2. عقیده به تنهایی کافی نیست، بلکه هجرت و جهاد و پشتیبانی از مهاجران و مجاهدان نیز لازم است.(2)

3. جهش وقتی حاصل می شود که مغزها، بازوها، سرمایه ها، قدرت ها و هجرت ها متمرکز شود (آمنوا؛ هاجروا؛ جاهدوا؛ أموالهم).(3)

4. در جامعه اسلامی باید میان مهاجران دردمند و مرفهان هجرت گریز تفاوت باشد (آمنوا و لم یهاجروا).(4)

5. در هجرت، هم به نظام کفر ضربه وارد می شود و هم دین حفظ می گردد و نیروی مسلمانان نیز افزایش می یابد.(5)

1- همان، صص 386 و 387.
2- همان.
3- همان.
4- همان.
5- اگر همه مغزها و کارشناسان مسلمان از کشورهای غربی خارج شوند و به کشورهای اسلامی مهاجرت کنند، این امر هم ضربه به دشمن است و هم تقویت کشورهای اسلامی است. بیشتر بلاهای ما از غرق شدن در نظام های دیگران و ترک هجرت های سازنده سرچشمه می گیرد. همان، ص 387.

آیه پنجم

و کسانی که ایمان آورده و هجرت کرده و در راه خدا به جهاد پرداخته اند و کسانی که [مهاجران] را پناه داده و یاری کرده اند، آنان همان مؤمنان واقعی اند؛ برای آنان بخشایش و روزی شایسته ای خواهد بود.(انفال: 74)

پیام آیه

1. ایمان واقعی در هجرت، جهاد، پناه دادن و یاری کردن مسلمانان رخ می نماید (هم المؤمنون حقا).(1)

2. کارها وقتی ارزشمند است که رنگ خدایی و انگیزه الهی داشته باشد (فی سبیل اللّه).(2)

3. هجرت و جهاد، عامل بخشایش ها و برکت های الهی است.(3)

4. اگر انسان به خاطر هجرت و جهاد، از رزق اندک بگذرد، به رزق کریم و شایسته الهی می رسد.(4)

آیه ششم

پروردگار تو با کسانی که پس از [آن همه] زجر کشیدن، هجرت کردند و سپس جهاد کردند و صبر پیشه ساختند، بی گمان، آمرزنده و مهربان است.

پیام آیه

1. هجرتی ارزش دارد که با جهاد و صبر و مقاومت همراه باشد، وگرنه

1- همان، ص 389.
2- همان، ص 389.
3- همان.
4- همان.

نوعی فرار خواهد بود (هاجروا؛ جاهدوا؛ صبروا).(1)

2. شرط دریافت آمرزش و رحمت الهی، جهاد و مقاومت است (من بعدها لغفور رحیم).(2)

1- همان، ج 6 ، ص 414.
2- همان.

پیشنهادهای برنامه ای

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله بنابر فرمایش خداوند متعال که می فرماید: «لَقَدْ کانَ لَکُمْ فی رَسُولِ اللّهِ أُسْوَهٌ حَسَنَهٌ» (احزاب: 21)، یگانه الگوی کامل است. بنابراین، پیروی از سیره آن بزرگوار در تمامی زمینه ها بر مسلمانان لازم است. در این میان، چون رسانه ملی بیشترین نقش را در تبلیغ و فرهنگ سازی دینی بر عهده دارد، تولید و پخش برنامه هایی که بازگوکننده سیره رفتاری و گفتاری پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله باشد، ضروری به نظر می رسد.

اکنون برخی پیشنهادهای برنامه ای را در این موضوع می آوریم تا برنامه ریزان و برنامه سازان رسانه به کار بندند:

1. محتوای این پژوهش، قابلیت تبدیل شدن به فیلم یا سریال را دارد که در قالب فیلم نامه ای کارشناسی شده می توان بدان پرداخت. همچنین آموزه های این پژوهش را می توان در قالب پیام های آن فیلم یا سریال تبلیغ کرد.

2. در برنامه ای ویژه می توان مطالبی را در موضوع های هجرت الی اللّه ، هجرت از بدی ها به خوبی ها، تحمل سختی ها و ناگواری های دنیا در راه

خدا، فرو کاستن خود به منظور رسیدن به سیره عملی پیامبر و جدا ندانستن خود از امت اسلامی ارائه داد.

3. در مسابقه های گوناگون می توان پرسش هایی را درباره تاریخ هجرت و انگیزه ها و پی آمدهای آن مطرح کرد.

4. در برنامه ای با عنوان «برگی از تاریخ پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله»، می توان این هجرت تاریخی را تبیین کرد یا حتی گوشه ای از ماجراهای این هجرت تاریخی را که اهمیت بیشتری دارد، به نمایش گذاشت؛ مانند حماسه حضرت علی علیه السلام در لیله المبیت.(1)

5. در برنامه ای با عنوان «درس های ماندگار» می توان به تبیین درس هایی از زندگانی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله پرداخت.

6. در میان ویژه برنامه هایی که در ایام حج برای معرفی سرزمین وحی پخش می شود، می توان ویژه برنامه مستندی را با عنوان هایی همچون «سفر مقدس»، «سفر نورانی» و «حماسه هجرت» در چند قسمت تهیه کرد. در این برنامه باید مراحل هجرت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله را از آغاز تا انجام به طور مستند از مکان های به جامانده از آن دوران، مانند منزلی که پیامبر هجرت شبانه خود را از آنجا آغاز کرد، غار ثور، توقف گاه ها و مسیر هجرت، روستای قبا و منزل گاه پیامبر در این روستا، مسجد قبا، محل اقامه نخستین

1- اجرای این برنامه پیشنهادی در سال جاری با توجه به نام گذاری آن به سال پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، مورد تأکید است.

نماز جمعه اسلام در میان قبیله بنی سالم بن عوف و... به تصویر کشید.

7. یکی از گزارش های ویژه خبری در مناسبت تولد یا بعثت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله یا تولد حضرت علی علیه السلام، باید به گزارش ویژه ای از غار ثور یا منزلی که پیامبر از آنجا هجرت شبانه خود را آغاز کرد، اختصاص یابد.

8 . روز هجرت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله از مکه به مدینه را می توان به عنوان یکی از مناسبت های مهم اسلامی در گزارش ویژه خبری معرفی کرد. افزون بر یادآوری ماجراهای این هجرت باید به نکته های اخلاقی نیز پرداخت، به این صورت که در پایان گزارش، باید پیام های زیر را مطرح کرد:

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله از بدی ها و بدها هجرت کرد، بیاییم ما نیز از بدی ها هجرت کنیم.

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله برای حفظ دین خدا، ناگواری های بسیاری را در هجرت به جان پذیرفت. ما در مسیر حفظ دین خود، تا چه میزان سختی ها را تحمل می کنیم؟

9. در سالروز هجرت پیامبر، موضوع «تحلیل هجرت تاریخی پیامبر از مکه به مدینه» می تواند موضوع مناسبی برای برنامه «گفت وگوی ویژه خبری» شبکه دوم سیما باشد. همچنین این موضوع را می توان در میزگردهای کارشناسانه مطرح کرد.

10. برنامه ای با عنوان «آیات هجرت، درس ها و عبرت ها» یا «هجرت در زلال وحی» را می توان به طور ویژه در شبکه قرآن سیما، تهیه و پخش کرد.

11. هجرت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله را می توان در قالب داستان های آموزنده،

برای گروه سنی نوجوانان، تولید و پخش کرد.

12. هجرت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، قابلیت تبدیل شدن به انیمیشن را نیز دارد. البته باید تمامی شئون مربوط به پیامبر در آن رعایت شود.

13. هجرت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، موضوع مناسبی برای گروه های تاریخ در شبکه هاست. این گروه ها می توانند جنبه های تاریخی این رخداد را بررسی، تحلیل و سپس بر اساس آن، برنامه سازی کنند.

14. «ضرورت هجرت از محیط های ناامنی که برای دین و ایمان انسان خطرناک است»، موضوع خوبی برای ساخت فیلم یا سریال است. این هجرت می تواند در قالب هجرت افرادی از کشورهای غربی به کشور عزیزمان باشد. در این برنامه ها باید علت این هجرت ها، بازگشت از الگوها و فرهنگ های فاسد غربی به الگوها و فرهنگ ناب اسلامی معرفی شود. حتی در قالب های دیگری مانند هجرت از شهری به شهری دیگر؛ هجرت از محله ای به محله ای دیگر؛ هجرت از اداره ای به اداره دیگر؛ از مدرسه یا دانشگاهی به مدرسه یا دانشگاهی دیگر نیز می توان به این موضوع پرداخت. گفتنی است پیام اصلی فیلم یا سریال که ضرورت حفظ دین و دین داری حتی به بهای هجرت از خانه و کاشانه است، باید برای مخاطبان، گویا و مفهوم باشد.

15. تهیه ویژه برنامه ای در ماه مبارک رمضان با عنوان «هجرتی باید کرد» با الهام از هجرت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله که هجرت از بدی ها برای حفظ خوبی ها بوده است، بسیار مناسب می نماید.

در این ویژه برنامه می توان درباره هجرت معنوی با همه جنبه های آن به بحث پرداخت و مصداق های آن را بررسی کرد. برخی مصداق ها عبارتند از: هجرت از اخلاق بد به اخلاق خوب، هجرت از مکان های بد به مکان های خوب، از شغل های بد به شغل های خوب، از گمان های بد به گمان های خوب و از دین داری بد به دین داری خوب. در این برنامه ها، افزون بر اینکه پیش زمینه هر هجرت بیرونی، هجرتی درونی معرفی می شود، باید از اهمیت هجرت های بیرونی نیز سخن گفته شود.

پرسش های مسابقه ای

1. هجرت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله از مکه به یثرب با چه هدفی انجام گرفت؟

الف) دیدار با مردم یثرب ب) حفظ دین و دوری از مشرکان

ج) ساختن مسجد قبا در روستای قبا

2. مهم ترین یاور پیامبر اعظم صلی الله علیه و آلهدر این هجرت، چه کسی بود؟

الف) ابابکر ب) حضرت علی علیه السلام ج) سلمان

3. بالاترین حماسه حضرت علی علیه السلام در این هجرت چه بود؟

الف) انجام مسئولیت های پیامبر در نبود ایشان

ب) آوردن کاروان باقی مانده به یثرب

ج) خوابیدن در بستر پیامبر

4. آیه شریفه «وَ مِنَ النّاسِ مَنْ یَشْرِی نَفْسَهُ ابْتِغاءَ مَرْضاتِ اللّهِ» (بقره:207) درباره چه کسی نازل شده است؟

الف) حضرت علی علیه السلام در واقعه لیله المبیت ب) عمار یاسر

ج) پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

ص: 59

5. پس از رسیدن مشرکان به غار ثور، چه چیزی آنها را از رفتن به داخل غار بازداشت؟

الف) یاوران پیامبر ب) خستگی و ترس آنها

ج) تار تنیده شده عنکبوت بر دهانه غار

6 . مهم ترین اقدام پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در مسیر هجرت از مکه به یثرب چه بود؟

الف) ساختن مسجد قبا ب) ساختن مسجد النبی

ج) ایجاد عقد اخوت میان مسلمانان

7. مهم ترین درسی که از هجرت پیامبراعظم صلی الله علیه و آله می توان گرفت، کدام است؟

الف) حفظ دین و دین داری به بهای هجرت از وطن

ب) ضرورت هجرت از بدی ها به سوی خوبی ها

ج) هر دو گزینه

8. علت توقف پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در روستای قبا چه بود؟

الف) ساختن مسجد قبا

ب) استراحت و تجدید قوا

ج) پیوستن حضرت علی علیه السلام به پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

9. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله پس از رسیدن به روستای قبا در خانه چه کسی مستقر شد؟

الف) رئیس قبیله آن روستا

ب) پیرمردی باتقوا به نام کلثوم بن هدم

ص: 60

ج) پول دارترین و مشهورترین فرد روستا

پرسش های مردمی

1. از هجرت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله از مکه به یثرب چه می دانید؟

2. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در هجرت شبانه خود از مکه به یثرب، چه کسی را مأمور خوابیدن در بستر خود کرد؟

3. انگیزه حضرت علی علیه السلام از خوابیدن در بستر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چه بود؟

4. آیا می دانید آیه شریفه «وَ مِنَ النّاسِ مَنْ یَشْرِی نَفْسَهُ ابْتِغاءَ مَرْضاتِ اللّهِ وَ اللّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبادِ» (بقره:207) درباره چه کسی نازل شده است؟

5. هدف پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله از هجرت چه بود؟

6. به نظر شما از هجرت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله چه درسی می توان گرفت؟

7. هجرت الی اللّه یعنی چه؟ آیا هجرت از بدی ها به سوی خوبی ها می تواند نمونه ای از این هجرت باشد؟

8. به نظر شما پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله با تکیه بر چه نیرویی پا در عرصه هجرتی این چنین پرخطر گذاشت؟

پرسش های کارشناسی

1. قرآن کریم در موضوع کلی هجرت، چند آیه دارد و این آیات درصدد بیان چه حقایقی هستند؟

2. به طور کلی، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چند هجرت داشت و چه درس ها و عبرت هایی در آنها نهفته است؟

3. جنبه های مختلف سیره عملی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله را در هجرت هایشان بیان کنید؟

4. چگونه می توان مسلمانان دنیا را به گذشته تاریخی خود متوجه کرد، به گونه ای که در سراسر جهانِ اسلام، مسلمانان، تقویم ایام سال خود را بر اساس هجرت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله تنظیم کنند؟

5. چرا پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در هجرت از مکه به یثرب، حضرت زهرا علیهاالسلام را همراه خود نبرد؟

ص: 62

* قرآن کریم.

1. آلوسی، محمود بن عبداللّه ، روح المعانی (فی تفسیر القرآن)، بیروت، داراحیاءالتراث العربی، 1364.

2. ابن اثیر، علی بن محمد، الکامل فی التاریخ، بیروت، داراحیاء التراث العربی، 1368.

3. ابن برهان حلبی، سیره حلبی، لبنان، بیروت، انتشارات دارالمعرفه، بی تا.

4. ابن خلدون، عبدالرحمن، تاریخ ابن خلدون، بیروت، دارالفکر، بی تا.

5. ابن سعد، محمد بن سعد، طبقات کبری، دارالبیروت، 1347.

6. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البدایه و النهایه، بیروت، دارالکتب العلمیه، 1369.

7. _____ ، الفصول فی سیره الرسول، بیروت، دار ابن کثیر، بی تا.

8. ابن هشام، سیره النبی، تهران، انتشارات ایران، 1379.

9. ابوزهره محمد، خاتم النبیین، بیروت، دارالفکر، بی تا.

10. الدمشقی، ابوالفداء اسماعیل بن کثیر، السیره النبویه، تحقیق: محمد المعتصم باللّه البغدادی، بیروت، دارالکتاب العربی، 1420 ه . ق.

11. القندوزی الحنفی، سلیمان بن ابراهیم، ینابیع الموده لذوی القربی، قم، چاپ اسوه، 1375.

12. المقدسی، مطهر بن طاهر، البدء و التاریخ، بیروت، دارصار، 1903 م.

13. المکی خوارزمی، موفق بن احمد بن محمد، مناقب، قم، جامعه مدرسین، بی تا.

14. بلاذری، انساب الاشراف، قم، مجمع احیاء الثقافه الاسلامیه، 1374.

15. بهرام نسب، محمد سهیل، استوانه نور، قم، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، 1383.

16. جعفریان، رسول، آثار اسلامی مکه و مدینه، تهران، نشر مشعر، 1381.

17. _____ ، حیات سیاسی اسلام، سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله، سازمان چاپ و انتشارات، بی تا.

18. حسنی، هاشم معروف، سیره المصطفی، قم، منشورات شریف رضی، 1371.

19. حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، قم، مؤسسه اسماعیلیان، 1373.

20. رازی، محمد، تفسیر الکبیر، لبنان، بیروت، دارالفکر، 1415 ه . ق.

21. سبحانی، جعفر، سید المرسلین، قم، جامعه مدرسین، بی تا.

22. _____ ، فروغ ابدیت، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، 1373.

23. سپهر، میرزا محمدتقی، ناسخ التواریخ، تهران، انتشارات کتاب فروشی اسلامی، 1363.

24. سمهودی، ابوالحسن، خلاصه الوفا باخبار دارالمصطفی، قاهره، داراحیاء الکتب العربیه، 1367.

25. شیخ طوسی، امالی، قم، دارالثقافه، 1372.

26. شیخ مفید، ارشاد، بیروت، مؤسسه آل البیت، 1372.

27. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان (فی تفسیر القرآن)، تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه، 1363.

28. طبری، محمدبن جریر، تاریخ طبری، بیروت، انتشارات دارالمعارف قاهره، مؤسسه اعلمی، بی تا.

29. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الاعظم صلی الله علیه و آله، لبنان، بیروت، دارالهادی، 1415 ه . ق.

30. _____ ، تاریخ هجری، بی جا، واحد تحقیقات اسلامی بنیاد بعثت، بی تا.

31. قرائتی، محسن، تفسیر نور، قم، در راه حق، 1379.

32. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، بیروت، مؤسسه اعلمی، 1370.

33. کمپانی، فضل اللّه ، علی کیست؟ ، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1363.

34. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، دارالرضا، 1377.

35. مسعودی، مروج الذهب، قم، مؤسسه دارالهجره، 1367.

36. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1368.

37. مکی صدیقی، محمد بن علی بن علان، حسن النبأ فی فضل مسجد قبا، ریاض، دارالشریف، 1418 ه . ق.

38. یعقوبی، احمد بن اسحاق، تاریخ یعقوبی، تهران، وزارت فرهنگ و آموزش عالی، 1366.

درباره مرکز

بسمه تعالی
هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
آیا کسانی که میدانند و کسانی که نمیدانند یکسانند ؟
سوره زمر/ 9

مقدمه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال 1385 هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:
1.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
2.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
3.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
4.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
5.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
6.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:
1.عمل بر مبنای مجوز های قانونی
2.ارتباط با مراکز هم سو
3.پرهیز از موازی کاری
4.صرفا ارائه محتوای علمی
5.ذکر منابع نشر
بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :
1.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
2.برگزاری مسابقات کتابخوانی
3.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
4.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
5.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
6.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...
7.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
8.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
9.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
10.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
11. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در 8 فرمت جهانی:
JAVA.1
ANDROID.2
EPUB.3
CHM.4
PDF.5
HTML.6
CHM.7
GHB.8
و 4 عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :
ANDROID.1
IOS.2

WINDOWS PHONE.3
WINDOWS.4
به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .
درپایان :
از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک 129/34- طبقه اول
وب سایت: www.ghbook.ir
ایمیل: Info@ghbook.ir
تلفن دفتر مرکزی: 03134490125
دفتر تهران: 88318722 ـ 021
بازرگانی و فروش: 09132000109
امور کاربران: 09132000109